

**۱) شخصیت را تعریف ضمناً اهلیت چیست درباره آن توضیح کامل دهید.**

- شخصیت یعنی قابلیت شخص برای دارا شدن حق و تکلیف ، حمل آغاز شخصیت است مشروط بر اینکه زنده متولد شود و مرگ پایان شخصیت است ، قانون تعیین می کند چه موجوداتی صاحب حق و تکلیف و دارای شخصیت هستند .

- اهلیت یعنی صلاحیت و شایستگی شخص برای دارا بودن ( تمتع ) و اجرائی حق ( استیفا )

- شرایط اهلیت استیفا:

۱. بلوغ : برای تمام حقوق غیر مالی کفایت می کند .

۲. سن بلوغ عام : برای دختر ۹ سال تمام قمری و برای پسر ۱۵ سال تمام قمری است

۳. سن بلوغ خاص نکاح : برای دختر ۱۳ سال تمام شمسی و برای پسر ۱۵ سال تمام شمسی است.

۴. رشد : یا عقل معاش بر تمام حقوق مالی کفایت می کند ، سن رشد در ایران ۱۸ سال تمام می باشد و تشخیص آن به عهده حاکم شرع است که به دادگاه تفویض شده است ، امکان دارد در مواردی بنا به تشخیص حاکم سن رشد کمتر از ۱۸ سال نیز تشخیص داده شود.

کسی که اهلیت استیفا حق را دارد لزوماً اهلیت تمتع را دارد ولی ممکن است کسی اهلیت تمتع داشته باشد ولی استیفا نداشته باشد . ملاک اهلیت تمتع زنده متولد شدن شخص می باشد .

کسی می تواند حقوق را اجرا کند که اهلیت استیفا داشته باشد.

**۲) تفاوت و شباهت اشخاص حقیقی و حقوقی در چیست ؟ در خصوص تابعیت و اقامتگاه اشخاص کاملاً توضیح دهید.**

- شباهت و تفاوت:

۱. اشخاص حقوقی از تمام حقوق اشخاص طبیعی برخوردارند مگر حقوقی که فقط مربوط به انسان است مثل زوجیت

۲. اشخاص حقوقی بنا به هدف خاصی تشکیل می شود و باید به اساسنامه رجوع کرد و آنچه در آن منع شده را نمی توان انجام داد . در حالی که اشخاص حقیقی به اختیار خود و برای اهداف خاص بوجود نمی آیند.

۳. اشخاص حقیقی و حقوقی دارای شروع و پایان زندگی می باشند .

۴. اشخاص حقیقی و حقوقی هر دو باید دارای نام باشند.

۵. اشخاص حقیقی و حقوقی هر دو دارای اقامتگاه و تابعیت مشخص هستند .

- اقامتگاه : اقامتگاه هر کس در واقع مرکز مهم امور اوست اعم از اینکه در آنجا سکونت داشته باشد یا سکونت نداشته باشد ( ماده ۱۰۰۲ ق م )

- اقامتگاه در سه نوع است :

۱. اختیاری یا ارادی : آزادانه و با اراده ی شخص به عنوان اقامتگاه اختیار می شود و طبق ماده ۱۰۰۳ ق.م اشخاص فقط يك اقامتگاه اختیاری می تواند اختیار کنند .

۲. اجباری : این اقامتگاه به حکم قانون تعیین می شود و تمیلی است و انواعی دارد به شرح ذیل:

اقامتگاه زن شوهر دار ، اقامتگاه محجور ، اقامتگاه مأمورین دولت ، اقامتگاه افراد نظامی ، اقامتگاه خدمه

۳. انتخابی یا قرار دادی : طرفین معامله برای اجرای تعهدات یا دعوی ناشی از قرار داد یا ابلاغ اوراق دادرسی اقامتگاهی را انتخاب می کنند ( ماده ۱۰۱۰ ق.م)

- تابعیت :

اشخاص حقیقی و حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در این مملکت واقع شده است . دولتها همواره خود را در اعطای تابعیت ذی نفع می دانند و مقررات خاصی در این خصوص وضع و اجرا می کنند . هیچ دولتی نمی تواند به يك شخص تابعیت خارجی اعطا کند زیرا این کار دخالت در حاکمیت کشور دیگر به شمار خواهد آمد . لیکن می تواند تابعیت داخلی را به برخی افراد حقیقی یا حقوقی با اعمال شرایط خاص اعطاء کند. تابعیت طفل همان تابعیت پدر است.

۳) در خصوص حق و تکلیف هر آنچه می دانید بنویسید.

حق يك امتیاز عمومی و برای تمام افراد جامعه است و هیچ کس نمی تواند آن را از خود سلب کند.

تکلیف آنچه بر انسان واجب است را تکلیف می گویند چنانچه کسی مکلف شد انجام اعمالی بر او واجب می شود مانند پرداخت نفقه پس از ازدواج فرق بین حق و تکلیف در این است که تکلیف مسؤلیت می آورد.

در قبال مسؤلیت دو حالت وجود دارد کیفری و حقوقی

۴) در خصوص مرگ ، حیات ، غایب مفقود الاثر ، چگونگی اداره اموال غایب مفقود الاثر ، عزل امین غایب مفقود الاثر ، موت فرضی ، تمهیداتی که قانون در مورد موت فرضی اندیشیده است ، استفاده زن و شوهر از نام یکدیگر و چگونگی تغییر نام کاملاً توضیح دهید.

- مرگ : وجود اشخاص طبیعی با مرگ پایان می یابد انسان با مرگ شخصیت خود را از نظر حقوقی از دست میدهد.

- اقسام موت: ۱- موت طبیعی ۲- موت مدنی ۳- موت فرضی

- آثار حقوقی مترتب بر موت عبارتند از :

۱. تعیین ورثه : طبق ماده ۸۷۵ ق.م شرط وراثت زدن بودن وارث در حین فوت مورث است و کسانی که پیش از او فوت می کنند یا هنوز در حین متوفی حداقل نطفه آنها منعقد نشده است جزء ورثه به شمار نمی آیند.

۲. تعیین زمان انتقال قهری اموال و دارایی به ورثه و موصی له : طبق ماده ۸۶۷ ق.م ارث به موت حقیقی یا به موت فرضی مورث تحقق پیدا می کند .

۳. حال شدن دیون متوفی : با فوت طبیعی شخص و یا صدور حکم موت فرضی او تمامی دیون مدت دار وی حال می گردند (ماده ۲۳۱ ق.ا.ح)

۴. تعیین ابتدای عده زوجه متوفی : زن متوفی باید به مدت ۴ ماه و ده روز عده وفات نگه دارد.

- حیات : وجود شخص طبیعی از لحاظ حقوقی با تولد او آغاز می شود و از این تاریخ انسان طرف حق قرار می گیرد . از نظر حقوقی تاهنگامی که جنین زنده به دنیا نیامده است شخص مستقلی به شمار نمی آید و نمی تواند دارنده حق و تکلیف باشد طبق ماده ۹۵۷ ق.م حمل از حقوق مدنی متمتع می گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود . کسی که از زنده به دنیا آمدن طفل منتفع می گردد باید آن را اثبات کند.

- غایب مفقود الاثر : به موجب ماده ۱۰۱۱ ق.م غایب مفقود الاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد . شرایط تحقق مفهوم حقوقی غیبت به قرار ذیل است:

۱. غیبت : غیبت از اقامتگاه قانونی از مهم ترین عناصر تعریف حقوقی غایب است .
۲. انقضای مدت نسبتاً طولانی : مدت غیبت باید آنقدر باشد که از لحاظ عرف مراجعت شخص غیر ممکن باشد دادگاه نیز با توجه به عرف اظهار نظر خواهد کرد لذا مدت زمان مشخصی در این خصوص در قانون تعیین نشده است .
۳. فقد خبر حیات یا ممانت غایب : مهمترین عنصر ، بی اطلاعی از وضعیت غایب و فقدان اطلاعات مربوط به زنده یا مرده بودن غایب است.

- اداره اموال غایب مفقود الاثر:

حقوق و تکالیف غایب مفقود الاثر تحت دو عنوان رسیدگی می شود : امور مالی غایب و امور غیر مالی  
اداره اموال غایب مفقود الاثر با دادستان است و دارای پنج مرحله می باشد :

۱. وضع حقوقی امین بدون مداخله دادستان و نصب امین

۲. حفظ اموال امین قبل از تعیین امین

۳. نصب امین برای اداره اموال غایب

۴. دادن اموال به تصرف موقت ورثه

۵. حکم موت فرضی غایب و دادن اموال به تصرف قطعی ورثه

- عزل امین غایب مفقود الاثر: هرگاه يك از شرایط ذیل به وجود آمد امین غایب عزل می شود:

۱. هر گاه وصف امانت از امین زایل شود

۲. صادر شدن حکم موت فرضی غایب (حیات و ممانت غایب محرز شود )

۳. در صورتی که اموال و دارایی به ورثه بصورت موقت داده شود.

- موت فرضی : براساس ماده ۱۰۱۹ ق.م حکم موت فرضی غایب در موردی صادی می شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی ماند . بعنوان مثال وقتی ۱۰ سال تمام از آخرین خبری از غایب گذشته و بعد از انقضا آن سن از ۷۵ سال گذشته است می توان استنباط به موت نمود.

- کسانی که می توانند تقاضای موت فرضی کنند : ورثه ، موصی له ، وصی می باشند .

دادگاه اقدام به ۳ مرحله نشر آگهی به فاصله يك ماه می نماید و چنانچه از تاریخ آخرین آگهی يك سال بگذرد و وضعیت معلوم نباشد قاضی حکم موت فرضی را صادر می نماید . داخل حکم تاریخی را تعیین می کنند به نام تاریخ فرضی موت چون کسانی که ارث می برند باید در تاریخ فوت مورث در قید حیات باشند .

مهمترین اثر موت فرضی انتقال اموال از باب ارث به ورثه می باشد .

ورثه زمانی مالک اموال غایب می شود که موت حقیقی یا فرضی غایب ثابت شود .

- رابطه زوجیت : اگر ۴ سال تمام از غیبت بگذرد و معلوم نباشد زن می تواند تقاضای طلاق بدهد ، در این صورت ابتدا باید آگهی منتشر شود ۳ بار به فاصله یکماه و از تاریخ آخرین آگهی يك سال گذشته باشد حکم این زن را طلاق می دهد و زن از تاریخ طلاق عده وفات نگه می دارد

چنانچه غایب بعد از صدور حکم موت فرضی و دادن اموال غایب به تصرف قطعی ورثه پیدا شود طبق ماده ۱۰۲۷ ق.م ورثه باید آنچه را که از اعیان یا عوض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غایب موجود می باشد مسترد دارند ولی مسؤل اموالی که از بین رفته و عوض آنها نیز موجود نیست نمی باشند.

- استفاده زن و شوهر از نام یکدیگر :

زوجه می تواند با موافقت همسر خود تا زمانی که در قید زوجیت است بدون رعایت حق تقدم از نام خانوادگی همسر خود استفاده کند و در صورت وقوع طلاق استفاده از نام خانوادگی نیاز به اجازه از همسر خواهد بود . در خصوص استفاده از نام خانوادگی پس از فوت همسر قانون سکوت کرده است.

شوهر اجازه دارد با اجازه دارنده حق تقدم از نام خانوادگی همسر استفاده کند در اینصورت زوج نام خانوادگی خود را از دست خواهد داد زیرا از این طریق تغییر نام داده است و جمع بین دو نام خانوادگی اصولاً مجاز نیست.

- تغییر نام :

تغییر نام کوچک جز در مورد نامهای ممنوع و مواردی که در نام کوچک چیزی زاید و غیر ضروری ناشی از اشتباه وجود داشته باشد مجاز نیست . در موارد ذیل می تواند درخواست تغییر نام کوچک نمود :

۱. نام کوچک شخص یکی از نامهای ممنوع باشد.

۲. اگر در نام کوچک چیزی زاید و غیر ضروری ناشی از اشتباه وجود داشته باشد.

۳. در صورتی که تغییر جنسیت بدهد و دادگاه صالح حکم به تغییر نام دهد .

۴. در صورت تشرف پیروان ادیان دیگر به دین مبین اسلام و عدم تناسب نام آنان با فرهنگ اسلامی.

**۵) در خصوص ولادت و فوت و ثبت این واقعه هر آنچه می دانید بنویسید.**

- ولادت : پس از تولد هر طفل در ایران چه پدر و مادر او ایرانی باشند یا خارجی باید موضوع ولادت به مأمور ثبت احوال اعلام شود . ولادت اطفال ایرانی خارج از کشور به کنسولگری ایران و یا به اداره ثبت احوال باید اعلام شود.

مهلت اعلام تا ۱۵ روز پس از تاریخ ولادت طفل است . روز ولادت و تعطیل رسمی بعد از آخرین روز مهلت به حساب نمی آید . در صورتی که ولادت در حین سفر رخ دهد مهلت اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد محسوب می شود.

- یکی از افراد ذیل باید ولادت را اعلام نماید:

۱. پدر یا جد پدری

۲. مادر در صورت غیبت پدر

۳. وصی ، قیم ، یا امین

۴. اشخاصی که قانوناً عهده دار طفل باشند.

- ثبت ولادت: پس از اعلام تولد واقعه ولادت باید در دفتر کل ثبت کلی وقایع به ثبت برسد و برای هر فرد شماره شناسنامه ای که مخصوص به او خواهد بود تعیین می گردد. ثبت ولادت باید مستند به گزارش پزشک، ماما یا مؤسسه ای که کودک در آن متولد شده است باشد.

- فوت: فوت افراد نیز همانند ولادت در دفتر و اسناد ثبت احوال به ثبت می رسد و برای این کار سند ویژه ای پیش بینی شده است. مرگ ایرانیان خارج از کشور باید به مأمورین کنسولی ایران یا سازمان ثبت احوال اعلام گردد.

مهلت اعلام فوت کلیه اشخاص ده روز از تاریخ وقوع فوت می باشد روز مرگ و تعطیل رسمی بعد از آخرین مهلت به حساب نمی آید در صورتی که موت در اثنای سفر رخ دهد مهلت اعلام آن از تاریخ رسیدن به مقصد احتساب خواهد شد.

## ۶) مسؤلیت یعنی چه کاملاً تشریح نمایید.

مسؤلیت به دنبال تکلیف می آید و هرکس مکلف شد انجام اموراتی به وی لازم و در صورت عدم انجام مستوجب کیفر می شود.

- مسؤلیت بر دو نوع است:

۱. مسؤلیت کیفری: هر فعلی که در قانون برای انجام یا ترک آن مجازات تعیین شده باشد مسؤلیت کیفری به دنبال دارد و جبران مسؤلیت کیفری را مجازات می گویند.

۲. مسؤلیت حقوقی: یعنی عملی که در پس آن هیچ عمدی نبوده و ناشی از کوتاهی و تقصیر است، مثل تصادف و ... جبران مسؤلیت مدنی (حقوقی) با جبران خسارت (مثل، عین یا قیمت) آن می باشد.

## ۷) اقسام شخص حقوقی را نام برده و کاملاً تشریح نمایید.

الف) شخص حقوقی حقوق عمومی:

این نوع از مربوطه به حقوق عمومی است، دولت از این دست از اشخاص است، شهرداری، مجلس شورای اسلامی و ... این اشخاص به محض ایجاب و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می شوند و در حدود صلاحیت خود اعمال حقوقی انجام می دهند.

ب) شخص حقوقی حقوق خصوصی:

مربوط به حقوق خصوصی مردم هستند و هدف و فعالیت آنها در زمینه حقوق خصوصی است و دارای هدف انتفاع هستند و بعضی بر عکس.

اشخاص حقوق خصوصی سه دسته اند: ۱- شرکتهای تجاری ۲- مؤسسات غیر تجاری ۳- موقوفات

۱. شرکتهای تجاری: شرکت تجاری از گروهی از افراد تشکیل می شود که اموال یا خدماتی را به منظور یک فعالیت اقتصادی مشترک و تقسیم منافع بین خود در میان می گذارند.

۲. مؤسسات غیر تجاری: مؤسساتی هستند که از گروهی از افراد برای مقاصد غیر تجاری، انتفاعی یا غیر انتفاعی تشکیل شده اند از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و ... این مؤسسات به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آنها جلب منافع و تقسیم آن بین اعضای خود نباشد مانند انجمنهای ورزشی و ...

ب) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آنها سود جویی و جلب منافع مادی باشد. مانند کانونهای فنی و حقوقی و ...

مؤسسات غیر تجاری قبل از ثبت هیچ گونه شخصیت حقوقی ندارند.

۳. موقوفات : موقوفات یعنی اموالی که از جریان داد و ستد و معاملات خارج و به یک هدف نیک تخصیص داده شده اند . موقوفه ممکن است بنام دیگری از قبیل بیناد نامیده شود.

#### ۸) محجورین چه کسانی هستند ؟ هر يك را تعريف كنيد و شرايط و چگونگي خروج از حجر را بنويسيد.

محجورین کسانی هستند که اهلیت استیفا نداشته و صلاحیت اجرای حق را ندارند . محجور دارای حق است ولی نمی تواند آن را اجرا کند .

- محجورین سه دسته اند:

۱. صغار : به کسانی میگویند که نابالغ باشند . کودکان از این دسته اند و درای دو نوع هستند :

الف ) ممیز : دارای قوه درک و تمیز نسبی است و زشت را از زیبا و سود را از زیان تشخیص می دهد و می تواند اراده حقوقی داشته باشد.

ب ) غیر ممیز : شخص نابالغی است که دارای قوه درک و تمیز نیست ، زشت و زیبا و سود و زیانش را تشخیص نمی دهد .

برای خروج صغیر از حجر رسیدن به سن بلوغ کافی نیست بلکه رشد (عقل معاش) نیز شرط است .

۲. سفیه : در لغت به معنی جاهل و احمق است - ممکن است به زمان صغر فرد یا بعد از آن برسد ولی در فقه و حقوق مدنی کسی که عادت او اسراف و تبذیر در خرج است و تصرف مالی او عاقلانه نیست اگر به زمان صغر وصل باشد نیاز به حکم دادگاه نیست ولی اگر بعد از خروج از صغر باشد حجر او نیاز به حکم دادگاه دارد . حجر سفیه محدود به امور مالی است . سفیه مسئولیت مدنی دارد.

۳. مجنون : کسی که قوه عقل و درک ندارد و به اختلال کامل قوای دماغی مبتلا است را مجنون می گویند . جنون به درجه که باشد موجب حجر است (ماده ۱۲۱۱ ق.م)

- جنون بر دو نوع است:

۱. دائمی : اعمال وی مطلقاً باطل ولو با اجازه ولی یا قیم باشد . چنانچه ولی یا قیم به جای او معامله کند صحیح است.

۲. ادواری : اگر معامله ای که انجام داده در زمان سلامت باشد صحیح است مشروط بر اینکه افاقه (سلامت) او مسلم باشد.

چون مجنون فاقد درک و تمیز و در نتیجه فاقد اراده حقوقی است تمام اعمال حقوقی او باطل است و اجازه ولی یا قیم نمی تواند ناتوانی او را جبران کند .

۹) در خصوص نماینده قانونی و قائم مقام قانونی به صورت مقایسه ای توضیح دهید . شباهت عمده مسولیت (وظیفه) این دو بایکدیگر در چیست ؟

- نمایندگان قانونی عبارتند از :

۱. ولی : مخصوص پدر و جد پدری است

۲. وصی : سمتی که از طرف ولی بعد از فوت به شخص واگذار می شود

۳. قیم : در صورت نبود ولی و وصی برای حمایت از محجور بنا به حکم دادگاه مشخص می شود

۴. وکیل : در خصوص موضوع خاصی به وی وکالت داده میشود و اختیاری است

۱۰) در خصوص چگونگی نصب نمایندگان قانونی و عزل ایشان کاملاً توضیح دهید.

- نصب ولی: ولی را مستقیماً قانون مشخص کرده است

- ولی قهری: پدر و جد پدری ولی قهری هستند و دارای سمت ولایت قهری هر يك از این دو می توانند بعد از فوت دیگری برای سرپرستی و اداره امور شخص تحت ولایت خود وصی تعیین کند که يك نوع ولی خاص است. کسی که به حکم مستقیم قانون اداره محجور را دارد و دادستان حق دخالت در کارش را ندارد.

- ولی خاص: به پدر و جد پدری و وصی منصوب از سوی یکی از آنان هستند و سمت آنان را ولایت خاص گویند.

- نصب وصی: وصی را ولی با تعیین حدود اختیارات تعیین می کند

- نصب قیم:

۱. برای صغار که ولی خاص ندارند

۲. سفیهی که بعد از بلوغ سفیه شده اگر چه ولی خاص داشته باشد یا قبل از بلوغ در صورت نبود ولی قهری

۳. مجنونی که بعد از بلوغ مجنون شده اگر چه ولی خاص داشته باشد یا قبل از بلوغ در صورتی که ولی خاص نباشد.

- عزل نمایندگان قانونی:

۱. خروج محجور از حجر شامل: بالغ و رشید شدن صغیر

۲. قیم محجور یا مرتد گردد

۳. استعفای قیم: که توسط دادگاه پذیرفته شده باشد

۴. اعاده ولایت: در صورتی که صغیر، سفیه یا مجنون شده و حالا برگشته است

۵. عدم توانایی اداره امور محجور

۱۱) در خصوص چگونگی نصب قائم مقام قانونی و عزل ایشان کاملاً توضیح دهید.

۱۲) در خصوص پیوند اعضاء بصورت فقهی و حقوقی بحث نمایید.

۱۳) در خصوص صدور حکم حجر و نصب قیم و دادگاهی که صالح به رسیدگی چنین دعوایی است توضیح دهید.

- صدور حکم حجر: پس از تقاضا یا اعلام کسانی که بر طبق قانون موظف به اعلام یا درخواست می باشند یا در صورت اطلاع خود دادستان، درخواست و صدور حکم حجر انجام می شود.

معمولاً دادستان تقاضای صدور حکم حجر می نماید.

برای اشخاص که سن بلوغ یا رشد نرسیده و مواردی که علت حجر بعد از بلوغ و رشد حادث شده صدور حکم حجر لازم نیست. هرگاه دادگاه پس از رسیدگی به تصرفات مالی شخص برخلاف عقلا دید و اعمال او را سفهی تشخیص داد زوال عقل بر او ثابت شد حکم حجر صادر می شود. تاریخ حجر باید مشخص شود.

انتشار حکم حجر گاهی اختیاری و گاهی الزامی است

- دادگاه صالح رسیدگی: نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها در صلاحیت دادگاه خانواده قرار گرفته است. در صورت نیاز به صدور حجر و قیم می توان گفت دادگاه خانواده برای صدور حکم حجر نیز صالح است. صلاحیت محلی در مورد قیمومیت دادگاه صالح است که اقامتگاه محجور در حوزه آن واقع شده است.

۴ (۱) وظایف نمایندگان قانونی نسبت به محجورین چیست کاملاً توضیح دهید. ضمناً در خصوص مسئولیت ایشان مطالبی را باز گو کنید (مسئولیت حقوقی و کیفری نماینده چیست؟ وظایف حقوقی، تربیتی و ...)

۱۵ (۱) اولیتهای نصب قیم چه صفاتی است مختصراً توضیح دهید.

هرگاه دارندگان شرایط قیمومیت زیاد باشد باید فردی را که شایسته تر است انتخاب کرد و قانونگذار اولیتهای مشروحه ذیل را مقرر داشته است.

۱. پدر یا مادر محجور مادام که همسر ندارد.

۲. در صورت محجور شدن زن، شوهر با داشتن صلاحیت برای قیمومیت مقدم است.

۳. اقربین محجورین در صورت داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم خواهند بود.

۳. کسانی که ضمانت یا تضمینات کافی بدهند بر دیگران مقدمند.

- صفات امین عبارتند از: توانایی، امانت، بلوغ و رشد، اسلام